

نوآوری های قانون در رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان

وحید مظاهری

کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد، میبد، ایران.

چکیده

اطفال و نوجوانان همواره در طول تاریخ از جنبه های مختلف اجتماعی حایز اهمیت و در کانون توجهات متخصصین حوزه های مختلف بوده اند. یکی از مهم ترین تبعات زندگی اجتماعی در بعد منفی آن، پدیده جرم می باشد که با توجه به آثار ناخوشایند و شنیع آن در بین اقشار جامعه از اهمیت زیادی برخوردار هست. پرواضح است اطفال و نوجوانان به عنوان بخش بزرگی از بدنه انسانی جامعه، اغلب به عنوان یکی از دو ضلع اصلی مثلث وقوع جرم (بزهکار- بزه دیده- جامعه) در موضوعات مختلف مرتکب انحراف و در نهایت مرتکب جرم یا قربانی آن واقع می گردند و در مقابل نیز می بایست با اتخاذ روش هایی هدفمندانه و فایده گرا به مقابله با این پدیده شوم پرداخت؛ اهدافی همچون پیشگیری از وقوع جرم و بزه دیدگی، ایجاد بازدارندگی و اصلاح کودک و نوجوان مجرم و همچنین پیشگیری از بزه دیدگی مجدد قربانی. با توجه به مطالب بیان شده اتخاذ روش های مقابله با جرایم اطفال و نوجوانان با توجه به وضعیت خاص سنی و ذهنی آن ها عقلا و طبیعتا از حساسیت بیشتری نسبت به دیگر گروه های سنی برخوردار هست؛ این حساسیت که موجب ضرورت توجه افتراقی به جرایم و همچنین قربانی شدن آن ها می گردد، هم در حوزه اقدامات کنشی پیش از وقوع جرم و هم اقدامات واکنشی بعد آن وجود دارد. به طور مثال در حوزه پیشگیری، روش پیشگیری خاصی برای اطفال و نوجوانان تحت عنوان پیشگیری رشد مدار وجود دارد که دارای تفاوت اساسی با پیشگیری جامعه مدار یا موقعیت مدار هست و این رویه در حوزه پیشگیری کیفری یا واکنشی نیز وجود دارد؛ همانند آنچه در قوانین شکلی یا ماهوی برای اطفال و نوجوانان در باب مسیولیت کیفری و تحمیل نکردن مجازات به معنای اخص یا دادرسی ویژه برای آن ها وجود دارد.

واژه های کلیدی: نوآوری، قانون، آیین دادرسی کیفری، حمایت، حقوق، اطفال، نوجوانان.

مقدمه

به توجه به اهمیت جایگاه کودکان و اطفال که آینده ساز جامعه می‌باشند قانون گذار باید نگاهی ویژه به این اشخاص داشته باشد و در این راستا قانون گذار جمهوری اسلامی تلاش کرده تا در قانون مجازات ۱۳۹۲ و آیین دادرسی کیفری نگاه ویژه ای به این اشخاص داشته باشد. بر اساس مبانی جرم شناختی و جرم شناسی واقعیت های اجتماعی کودک و نوجوان افتراقی بودن فرآیند رسیدگی به جرایم کودکان و نوجوانان ضرورتی انکارناپذیر است. هدف از افتراقی سازی فرآیند رسیدگی این گروه اصلاح و بازپروری آنان در جامعه است. در قلمرو سیاست کیفری ایران این موضوع فاقد رویه واحد بوده و قانون گذار در برهه های زمانی مختلف رویکردهای متفاوتی را در نظر گرفته است. در این خصوص سیاست کیفری ایران از رهگذر قانون آیین دادرسی کیفری تغییرات مهمی را به خود دیده و در برخی موارد نوآوری به همراه داشته است در این نوشتار با نگاهی انتقادی نوآوری های سیاست کیفری قانونگذار ایران در سال ۱۳۹۲ در زمینه رسیدگی به جرایم کودکان و نوجوانان مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این مقاله که به روش توصیفی تحلیلی و کتابخانه ای انجام شده سعی بر این شده که نگاه قانونگذار در آیین دادرسی کیفری به بزهکاری اطفال و جرایم مرتکب از سمت اطفال بررسی شود (احمدی، ۱۳۹۴: ۱۰۵).

"در گذشته، این اندیشه حاکم بود که مداخله دادرسی در فرآیند رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان بزهکار ممکن است موجب ورود آسیب به آنان شود؛ زیرا موجب طولانی شدن دادرسی و به تأخیر افتادن دسترسی به طفل به دادگاه خواهد شد و از طرف دیگر، به نادیده گرفتن وضعیت آسیب پذیر روحی و حقوقی وی منجر می‌شود. با وجود پیش بینی اختصاصی برخی از شعب دادرسی به رسیدگی جرایم اطفال، تدوین کنندگان این قانون در ماده ۲۸۵ مداخله دادرسی را در جرایم تعزیری درجه هفت و هشت و جرایم منافی عفت برای افراد پانزده تا هجده سال در نظر نگرفته اند و این جرایم مستقیماً در دادگاه مطرح می‌گردد و دادگاه مذکور کلیه وظایفی که طبق قانون برعهده ضابطان دادگستری و دادرسیا می‌باشد را انجام می‌دهد و تحقیقات مقدماتی سایر جرایم در دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان صورت می‌پذیرد؛ به نظر می‌رسد این محدودیت بدان خاطر در نظر گرفته شده است که در جرایم دارای مجازات تعزیری درجه هفت و هشت، مداخله دادرسی موجب اطاله دادرسی شده و در جرایم منافی عفت موجب ورود آسیب به حریم شخصی اطفال و نوجوانان می‌گردد و طبق این ماده تحقیقات مقدماتی تمامی جرایم ارتكابی توسط افراد زیر پانزده سال به طور مستقیم در دادگاه اطفال و نوجوانان به عمل می‌آید. اما قانون جدید آیین دادرسی کیفری مصوب اردیبهشت ۱۳۹۳، در زمینه بزهکاری اطفال و نوجوانان، رویکردهای قابل توجهی را اتخاذ نموده است که با موضوعات کنوانسیون جهانی حقوق کودک و تئوری صاحب نظران و نیز مبانی کیفرزدایی تا حدودی منطبق به نظر می‌رسد و از نقص های قانون قبلی فاصله گرفته است (الیاسی، ۱۳۸۷: ۲۲).

پیکره هر جامعه ای متشکل از افراد آن است و این افراد در مقاطع سنی متعدد قرار دارند که اصلی ترین و مهمترین رکن جامعه، شامل اطفال می‌شود مقطع طفولیت از آنجا که سرمنشاء شکل گیری فضائل و رذایل اخلاقی می‌باشد، از اهمیت چشمگیری برخوردار است و لازمه برخورد شایسته را می‌طلبد در واقع یکی از اقشاری که در جامعه در معرض ناهنجاری ها و رفتارهای خلاف قانون قرار می‌گیرند و گاهی مواقع مرتکب رفتارهای ناقض قانون می‌شوند اطفال و نوجوانان می‌باشند و لیکن ارتكاب رفتار مجرمانه در این گروه، ناشی از طینت پلید آنها نیست بلکه بر اثر درک نادرست بایدها و نبایدها و حسن و قبح رفتار است و عموماً ناشی از ضعف آگاهی از حرمت اعمال ارتكابی می‌باشد؛ لذا اقتضای نظم عمومی و لزوم استقرار نظم و امنیت در جامعه، عکس العمل جامعه در برخورد با ناهنجاری ها و کج روی ها را امری بدیهی و ضروری می‌نماید ولیکن قانون گذار کشورمان بنا به دلایلی همچون لزوم تربیت درست و اصلاح و پرورش شخصیت اطفال و نوجوانان و رعایت مصلحت آنها، اقدام به تصویب قوانین حمایتی نموده است تا باعث برگشتن این اقشار به جامعه و جامعه پذیر نمودن آنها نماید (اردبیلی، ۱۳۸۱: ۳۳).

تعاریف و مفاهیم

طفل: با مروری در قوانین و مقررات، تعابیر مختلفی از این واژه و واژگان مشابه آن مانند کودک، صغیر، صبی و نوجوان شده است، در تعریف کودک آمده است کودک در لغت به معنای بچه ی پسر یا دختر خردسال، فرزندى که به حد بلوغ نرسیده است(عمید، ۱۳۸۱: ۵۰۶).

از نقطه نظر قانونی، مقنن در تبصره یک ماده ۳۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر داشته است: طفل، کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده است(دهخدا، ۱۳۸۸: ۱۵).

نوجوان: در تعریف واژه نوجوان در فرهنگ لغت عمید چنین آمده است: کسی که تازه به سن جوانی رسیده، تازه جوان(عمید، ۱۳۸۱: ۴۱۲).

مسئولیت کیفری: مسئولیت در لغت به معنای موظف بودن به انجام دادن امری است و مسئول و مسئول؛ کسی است که تعهدی در قبال دیگری به عهده دارد که اگر از ادای آن سرباز زند بازخواست شود؛ بنابراین مسئولیت همواره با التزام همراه است. در قلمرو حقوق کیفری، محتوای این التزام، تقبل آثار و عواقب افعال مجرمانه است، یعنی تحمل مجازاتی که سزای افعال سرزنش آمیز به شمار می آید، لیکن به صرف ارتکاب جرم نمی توان بار مسئولیت را یکباره به دوش مقصر گذاشت، بلکه پیش از آن، باید وی را سزاوار تحمل این بار سنگین دانست(دهخدا، ۱۳۸۸: ۳۵).

مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان به دلیل اینکه اطفال در دوره‌ی خاصی از زندگی خود که در حال رشد شخصیتی و روانی قرار دارند مرتکب برخی از جرایم می شوند اعمال مجازات سرکوبی، تأثیر خوبی در زندگی آنها نخواهد گذاشت و لازم است تا پاسخگویی به جرایم اطفال و نوجوانان، عاقلانه و دارای جنبه های حمایتی باشد البته رویکرد قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نسبت به قانون سابق، به سمت و سوی برگرداندن اطفال به جامعه و تأدیب و تربیت اطفال بزهکار پیش رفته و در این راستا از رهنمودها و مقررات بین المللی و حقوق بشر تبعیت نموده است و در قانون مذکور، رویکرد مسئولیت تدریجی را پذیرفته است؛ بر اساس این قانون، دوره ی کودکی و نوجوانی به ۴ دوره شامل بدو تولد تا نه سالگی، نه سالگی تا دوازده سالگی، دوازده سالگی تا پانزده سالگی و پانزده سالگی تا هجده سالگی تقسیم شده که به موجب قانون مجازات اسلامی سابق، طفل در تبصره یک ماده ۴۹ به عنوان فردی که هنوز به سن بلوغ نرسیده بود تعریف شده بود(خواجه نوری، ۱۳۹۰: ۴۳).

بر اساس ماده ۸۸ قانون مذکور، برای کودکان نه تا پانزده سال شمسی در ۵ گروه، کیفرهایی قائل شده که سه گروه الف، ب و پ مخصوص کودکان کمتر از دوازده سال است که عبارت اند از:

- تسلیم به والدین یا اولیاء یا سرپرست قانونی با اخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان بدانند.

- نصیحت به وسیله قاضی دادگاه و دو گروه ت و ث اخطار و تذکر و یا اخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم و نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال در مورد جرایم تعزیری درجه یک تا پنج سال

- برای اطفال دوازده تا پانزده سال پیش بینی شده است و اقدامات گروه الف، ب، پ و ت، در واقع مجازات نیست و جنبه حمایتی، معاضدتی یا تربیتی دارد و در صورتی که اطفال و نوجوانان مرتکب جرایم تعزیری درجه یک تا پنج گردند برابر بند ث ماده فوق الذکر، امکان محکومیت به سه ماه تا یک سال نگهداری در کانون اصلاح و تربیت وجود دارد. بر اساس ماده ۸۹ قانون مذکور هم نوجوانانی که سن آنها بین پانزده تا هجده سال شمسی باشد در صورتی که مرتکب جرم تعزیری شوند به مجازات نگهداری در کانون اصلاح و تربیت یا جزای نقدی یا خدمات عمومی رایگان محکوم می شوند. یکی از اقدامات مؤثر و مفید قانون گذار را میتوان در ماده ۹۱ قانون مذکور مشاهده کرد که تصریح نموده: «در جرایم موجب حد یا قصاص، هرگاه افراد بالغ کمتر از هجده سال، ماهیت جرم انجام شده یا حرمت آن را درک نکنند و یا در رشد و

کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد، حسب مورد با توجه به سن آنها به مجازات پیش بینی شده در این فصل محکوم می شوند. بنابراین به استناد این ماده قانونی، قاضی می تواند با اخذ نظریه کارشناس متخصص، نوجوان بزهکار را از حدود و قصاص معاف نماید و طبق مواد مذکور و مندرج در فصل دهم بخش دوم قانون مجازات اسلامی با عنوان مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان، اقدام به صدور حکم نماید؛ که در واقع باید گفت این احکام صادره دارای جنبه تربیتی، تهذیبی و اصلاحی می باشد و به نوعی قوانین ملی کشورمان به تبعیت از موازین بین المللی به سمت و سوی حذف مجازات اعدام، قصاص و شلاق برای نوجوانان پیش رفته است؛ که می توان یکی از اقدامات و نوآوری های مقنن کشورمان را در اینجا متجلی دید (علی مرادی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۲).

مقامات دخیل در فرآیند رسیدگی کیفری

پلیس ویژه

یکی از ارکان مهم دخیل در فرآیند کیفری، پلیس میباشد و پلیس به عنوان ضابط عام دادگستری، دروازه ورود اطفال و نوجوانان به فرایند کیفری است و با توجه به ویژگی های جسمی، روحی، عاطفی و آسیب پذیری اطفال و نوجوانان، لزوم برخورد ویژه و حساس با این افراد توسط کلیه متصدیان عدالت قضایی را نمایان و آشکار می نماید. لذا به دلایل مذکور ضرورت دارد نیروهای ویژه ای عهده دار مسئولیت انجام تحقیقات مقدماتی، حفاظت و حمایت از کودکان باشند؛ این نیروها، علاوه بر دارا بودن شرایط عام لازم برای استخدام و فعالیت در نیروی پلیس، باید دارای ویژگی ها، مهارت ها و تخصص مورد نیاز برای انجام وظایف خود باشند. به موجب ماده ۱-۲۲ مقررات پکن، این نیروها باید دارای تحصیلات تخصصی باشند و در دوره های بازآموزی و آموزش های ضمن خدمت شرکت کنند (اسدی، ۱۳۸۸: ۳۴).

پلیس ویژه اطفال باید با مباحث روانشناسی کودکان و مراحل رشد کودک، حقوق کودک، مقررات بین المللی و به خصوص پیمان نامه حقوق کودک و مباحث جرم شناسی اطفال، آشنا باشد. ماده ۲۲ مقررات پکن به وجود افراد پلیس از اقلیت های جامعه و زنان اشاره دارد، زیرا زنان به علت بهره مندی از حس مادری، بهتر می توانند با کودکان ارتباط برقرار کنند و کودکان نیز به حمایت های مادر گونه احتیاج دارند. گفتنی است این مسئله مهم در تدوین قانون آیین دادرسی کیفری فعلی مورد توجه قانون گذار قرار گرفته و در ماده ۳۱ قانون مذکور مقرر شده است: به منظور حسن اجرای وظایف ضابطان در مورد اطفال و نوجوانان، پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تشکیل می شود. وظایف و اختیارات آن به موجب لایحه ای است که توسط رئیس قوه قضائیه تهیه می شود؛ و از طرف دیگر در همین رابطه، در ماده قانون مارالذکر، عنوان شده: بازجویی و تحقیقات از زنان و افراد نابالغ، در صورت امکان باید توسط ضابطان آموزش دیده زن و با رعایت موازین شرعی انجام شود. البته در جایی که ضابطان آموزش دیده هم متأهل و دارای فرزند باشند هدف حمایتی لازم با درک حالات و روحیات اطفال و نوجوانان محقق خواهد شد و این قشر در مراجع پلیسی دچار آسیب نخواهند شد (دهخدا، ۱۳۸۸: ۴۵).

قاضی دادگاه و مشاور

مهمترین تصمیم گیرنده در دادگاه نوجوانان، قاضی آن دادگاه است. قاضی؛ مسئولیت تمام عملیات دادگاه و جهت حقوقی که دادگاه در پیش می گیرد را بر عهده دارد. قاضی از دو طریق اعمال نفوذ می کند؛ مدیریت قضایی دادگاه، رهبری قضایی.

با توجه به حساسیت برخورد قضایی و لزوم صدور احکام شایسته و مناسب برای کودکان و نوجوانان، لازم است قضات دادگاه و دادرای اطفال و نوجوانان انتخاب شوند و دارای خصوصیات و ویژگی هایی متناسب با مأموریت محوله و خطیر اعطایی باشند که مقنن کشورمان این امر مهم را مورد توجه قرار داده و در

این خصوص در ماده ۴۰۸ قانون آیین دادرسی کیفری تصریح شده است: رئیس دادگستری یا رئیس کل دادگاه های شهرستان مرکز استان هر حوزه، حسب مورد ریاست دادگاه های اطفال و نوجوانان را نیز بر عهده دارد. در همین چارچوب در ماده ۴۰۹ قانون آیین دادرسی کیفری تصریح شده است: قضات دادگاه و دادرسی اطفال و نوجوانان را رئیس قوه قضاییه از بین قضاتی که حداقل پنج سال سابقه خدمت قضایی دارند و شایستگی آنان را برای این امر با رعایت سن و جهات دیگر از قبیل تأهل، گذراندن دوره آموزشی و ترجیحاً داشتن فرزند محرز بداند، انتخاب می کند؛ بنابراین می توان به اهمیت و حساسیت دادرسی اطفال و نوجوانان پی برده و برای عوامل دخیل در فرآیند کیفری مرتبط با اطفال، شرایطی را قائل شده تا این عوامل بتوانند از خلق و خو، اخلاقیات و منش کودک، شناخت کافی داشته و برخورد مناسب و تأثیرگذار داشته باشند (خواججه نوری، ۱۳۹۰: ۴۶).

در این راستا در ماده ۲۹۸ قانون آیین دادرسی کیفری تصریح شده است: دادگاه اطفال و نوجوانان با حضور یک قاضی و یک مشاور تشکیل می شود. نظر مشاور، مشورتی است، البته به صرف لزوم حضور مشاور اکتفا نشده و در همین خصوص دارا بودن یک سری تحصیلات خاص را ضروری دانسته و در ماده ۴۱۰ قانون مذکور چنین مقرر شده است، مشاوران دادگاه اطفال و نوجوانان از بین متخصصان علوم تربیتی، روانشناسی، جرم شناسی، مددکاری اجتماعی و دانشگاهیان و فرهنگیان آشنا به مسائل روانشناختی و تربیتی کودکان و نوجوانان اعم از شاغل و بازنشسته انتخاب می شوند. (دهخدا، ۱۳۸۸: ۳۴)

وکیل

داشتن وکیل و اعلام آن از زمان کشف جرم تا اجرای حکم صادره، از مهمترین تضمینات حقوق دفاعی متهم است. حق داشتن وکیل در کلیه مراحل دادرسی کیفری یک حق مسلم است که برای متهم شناخته شده است. حق داشتن وکیل در تحقیقات مقدماتی و لزوم حضور و فعالیت قانونی وی در دفاع از حقوق موکل، به ویژه در هنگام بازجویی، تضمینی بسیار اساسی در جهت حفظ حقوق و آزادی فردی و جلوگیری از اخلال در حق دفاع است. در این خصوص در ماده ۴۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر شده است، در جرایمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاه کیفری است یا جرایمی که مستلزم پرداخت دیه یا ارزش بیش از خمس دیه کامل است و در جرایم تعزیری درجه شش و بالاتر، دادسرا و یا دادگاه اطفال و نوجوانان به ولی یا سرپرست قانونی متهم ابلاغ می نماید که برای او وکیل تعیین گردد. در صورت عدم تعیین وکیل یا عدم حضور وکیل بدون اعلام عذر موجه در مرجع قضایی، برای متهم، وکیل تعیین می شود. در جرایم تعزیری درجه هفت و هشت، ولی و یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان می تواند خود از وی دفاع و یا وکیلی تعیین می نماید. نوجوان نیز می تواند از خود دفاع کند، بنابراین همانطور که در ماده فوق الذکر اشاره شد در جرایم ذکر شده در اول ماده ۴۱۵ مسئولیت تعیین وکیل بر عهده ولی و یا سرپرست قانونی طفل است؛ و در صورتی که آنها نسبت به تعیین وکیل اقدام نمایند و یا اگر وکیل هم انتخاب کردند ولی وکیل تعیینی طفل، بدون علت موجه در جلسه دادگاه حضور نیابد در این خصوص مرجع قضایی در ابتدا اقدام به تعیین وکیل نموده و سپس با حضور وکیل رسیدگی را ادامه می دهد. گفتنی است در جرایم کم اهمیت که جرایم تعزیری درجه هفت و هشت می باشد سه فرض برای دفاع مطرح است: اول اینکه یا نوجوان خودش در مقابل اتهام وارده، دفاع نماید. دوم: ولی یا سرپرست طفل یا نوجوان از وی دفاع نماید. سوم: ولی یا سرپرست اقدام به تعیین وکیل نماید (اسدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۲۵).

الزامات، اصول و ویژگیهای رسیدگی کیفری به جرایم اطفال و نوجوانان

دادگاه های اطفال و نوجوانان به منظور پرهیز از اعزام کودکان به دادگاه های کیفری به وجود آمده اند. شکل گیری نهادهای تأدیبی و اصلاحی خاص نوجوانان و نیز دادگاه های نوجوانان بر مبنای

تشخیص نیاز پاسخ به کودکان و بزرگسالان به نحوی متفاوت با یکدیگر بود. در نظام حقوقی کشور ما، نقطه عطف و اوج دستیابی به یک نظام دادرسی ویژه در زمینه جرایم کودک و نوجوان، تصویب قانون تشکیل دادگاه های اطفال بزهکار در سال ۱۳۸۸ بود. در این قانون مؤلفه های دادرسی افتراقی کودک و نوجوان به طور همه جانبه ملاحظه شده بود و هدف از آن؛ حمایت، پرورش، اصلاح و باز اجتماعی نمودن بود. این دادگاه نیازمند ابزارهای تخصصی و تشکیلاتی است که بتواند وظیفه خود را به نحو مطلوب به انجام رساند این تشکیلات به شرح ذیل است (اسدی، ۱۳۸۸: ۲۶).

تحقیقات مقدماتی

تحقیقات مقدماتی در مقابل تحقیقات نهایی قرار دارد؛ و لذا لازم است قبل از ورود به بحث، تحقیقات مقدماتی را تعریف نماییم. در قانون آیین دادرسی کیفری در تعریف تحقیقات مقدماتی در ماده ۹۰ چنین آمده است: تحقیقات مقدماتی؛ مجموعه اقدامات قانونی است که از سوی بازپرس یا دیگر مقامات قضایی، برای حفظ آثار و علائم و جمع آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم انجام می شود. قانون آیین دادرسی کیفری در ماده ۲۸۵ در این خصوص مقرر داشته: در خصوص تحقیقات مقدماتی جرایم اطفال و نوجوانان و در محل آن، شعبه ای از دادرسی عمومی و انقلاب با عنوان دادرسی ویژه نوجوانان به سرپرستی یکی از معاونان دادستان با حضور یک یا چند بازپرس، تشکیل می شود. تحقیقات مقدماتی جرایم افراد پانزده تا هجده سال به جز جرایم موضوع مواد ۳۰۶ و ۳۴۰ این قانون که به طور مستقیم از سوی دادگاه صورت می گیرد در این دادرسی به عمل می آید. تکالیفی که بر اساس تبصره ۲ ماده ۲۸۵ قانون مذکور، برای ضابطین تصریح شده: حفظ ادوات، آلات، آثار، علائم و دلایل جرم می باشد و در صورت دستگیری متهم، بایستی فوری نسبت به تحویل وی به دادرسی یا دادگاه اطفال اقدام نمایند و انقضای وقت اداری و نیز ایام تعطیل مانع از رجوع به دادرسی یا دادگاه اطفال و نوجوانان نیست. بنابراین ضابطین دادگستری حق انجام تحقیقات مقدماتی در خصوص جرایم اطفال و نوجوانان را ندارند و این تحقیقات رأساً توسط دادگاه انجام می شود (مظفری، ۱۳۹۲: ۱۴).

تکلیف دادگاه در تشکیل پرونده شخصیت

در طول تاریخ بشر، شخصیت افراد خاطی در تعیین مجازات بی تأثیر نبوده ولیکن در اکثر موارد جنبه منفی داشته است با ظهور مکاتبی چون مکتب تحقیقی، بر خلاف گذشته که تنها به جرم و مجازات توجه می شد، شخصیت بزهکاران به شکل نوین، اصولی و علمی مورد توجه قرار می گرفت و بر همان اساس مجرمین دسته بندی می شدند و برای هر طبقه از آنها، مجازات یا تدابیر تأمینی متناسب با خصوصیات آنها پیشنهاد می شد. تحقیقات مذکور موجب پیدایش اصل فردی کردن در حقوق جزا گردید که به موجب آن در مراحل تعیین و اجرای مجازات، شخصیت بزهکاران مدنظر خاص قرار می گیرد. در همین راستا برای شناسایی خصوصیات فردی و اجتماعی مجرمین، تشکیل پرونده شخصیتی لازم به نظر می آید. در تشکیل پرونده شخصیتی، متخصصینی چون روانشناس، روان کاو، جرم شناس، روانپزشک، پزشک و جامعه شناس و غیره نسبت به شخصیت بزهکار از جهات جسمانی، روحی، روانی، اجتماعی و همچنین دوران گذشته و علت بزهکاری وی اظهار نظر می نمایند و سپس موضوع به صورت گزارش مبسوط، جهت اعمال یا عدم اعمال مجازات و استفاده از نهادهایی چون تعلیق و... به قاضی صادرکننده رأی تقدیم می شود تا تصمیم مقتضی اتخاذ نماید (احمدی، ۱۳۹۴: ۱).

سری بودن دادرسی اطفال و نوجوانان

دلیل اصلی برای تشکیل دادگاه نوجوانان این بوده که اجازه دهد اشتباهات و بی احتیاطی های کودکان به دور از نظارت عمومی، مورد رسیدگی قرار گیرد به نحوی که تأکید بر بازتوانی باشد نه

انگ زدن و بدنام کردن در گذشته همواره روند رسیدگی و پرونده های نوجوانان غیرعلنی بوده اند. هدف از غیرعلنی بودن جلسات و پرونده ها، جلوگیری از بدنامی احتمالی نوجوانان در اثر افشای عمومی این دست از اطلاعات بوده است. اگرچه ماهیت محرمانه روند دادرسی نوجوانان، در بسیاری از موارد برای آنان مفید واقع شده است، اما مانع بررسی دقیق عملکرد دادگاه نوجوانان و گاهی باعث شکل گیری واکنش هایی ناعادلانه و منفی نسبت به نوجوانان شده است (احمدی، ۱۳۹۴: ۲۳).

در خصوص رویکرد قوانین ایران در مورد سری بودن دادرسی در ماده ۲۲۵ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب عملاً به غیرعلنی بودن رسیدگی به جرایم اطفال تصریح شده بود. ولیکن در قانون آیین دادرسی کیفری فعلی، رویکرد قانون گذار با تصویب ماده ۴۱۳ در بطن آن، به نوعی امکان حضور سایر افراد را با موافقت دادگاه پذیرفته است. عدم وجود آثار محکومیت کیفری نسبت به جرایم اطفال و نوجوانان همانطور که می دانیم یکی از مجازات سه گانه ای که در نتیجه ارتکاب جرم، شامل حال مجرم می گردد مجازات تبعی است. مجازات تبعی از آثار مترتب بر محکومیت جزایی است و هیچگاه در حکم دادگاه قید نمی شود. تبعات محکومیت جزایی، عمدتاً محرومیت از حقوق اجتماعی است که قانونگذار آن را به زمان محدود کرده و پس از اجرای حکم و انقضای این مدت آثار محکومیت زایل می گردد. ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی، مدت های مذکور را در جرایم عمدی به شرح ذیل پیش بینی کرده است:

- هفت سال در محکومیت به مجازات سالب حیات و حبس ابد از تاریخ توقف اجرای حکم اصلی.
 - سه سال در محکومیت به قطع عضو، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده بیش از نصف دیه مجنی علیه باشد، نفی بلد و حبس تا درجه چهار.
 - دو سال در محکومیت به شلاق حدی، قصاص حدی، جنایت وارد شده نصف دیه مجنی علیه یا کمتر از آن باشد و حبس درجه پنج.
- علاوه بر آنچه گذشت از جمله آثار محکومیت کیفری می توان به تأثیر محکومیت کیفری در اعمال قاعده تکرار جرم اشاره کرد که در ذیل به شرح و تفسیر آن می پردازیم. تکرار جرم؛ وصف افعال کسی است که به موجب حکم قطعی لازم الاجرا از یکی از دادگاه های ایران محکومیت کیفری یافته و بعداً مرتکب جرم دیگری شده است که مستلزم محکومیت شدید کیفری است. یکی از جهات تمایز تعدد و تکرار جرم، وجود همین سابقه محکومیت کیفری است که شرط مهم تکرار جرم محسوب می شود. تکرار جرم نشانه حالت خطرناک بزهکار است و از این حیث قوانین بعضی کشورها، سیاست تشدید مجازات را در قبال بزهکاران خطرناک توصیه می کنند (الیاسی، ۱۳۸۷: ۳۵).

امکان تعویق صدور حکم در کلیه جرایم تعزیری اطفال و نوجوانان

تعویق در لغت به معنای بازداشتن، پس افکندن و عقب انداختن است. تعویق صدور حکم یعنی به تأخیر انداختن صدور حکم با نظر دادگاه صادر کننده حکم قطعی و به منظور اصلاح رفتار و باز اجتماعی کردن بزهکار است. در سابق جهات تعویق در نظام کیفری کشورها، منحصر به تعلیق اجرای مجازات و آزادی مشروط بود ولیکن یکی از نوآوری های قانون گذار کشورمان در قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) در قالب تعویق صدور حکم متجلی شده است. در خصوص مبانی توجیه کننده این قرار می توان به مواردی همچون فردی و متناسب کردن مجازات با وضعیت مرتکب، خودداری از توسل به مجازات زندان که دارای عواقب سوء فردی و خانوادگی برای محکوم میباشد، ملزم نمودن مرتکب برای باز سازگاری با اجتماع و رفع زمینه ارتکاب جرم همچون اعتیاد، الزام به یادگیری یک سری مهارت ها و آموزش ها و کسب هدف غایی مجازات

که همان اصلاح و تهذیب مرتکب بدون اعمال مجازات سرسختانه همچون حبس می باشد اشاره کرد. در باب قلمرو شمول این قرار، باید گفت که بر طبق ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی که عنوان داشته: در جرایم موجب تعزیر درجه شش تا هشت، دادگاه می تواند پس از احراز مجرمیت متهم با ملاحظه وضعیت فردی، خانوادگی، اجتماعی و سوابق و وضع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده است در صورت وجود شرایط زیر صدور حکم را به مدت شش ماه تا دو سال به تعویق اندازد:

وجود جهات تخفیف، پیش بینی اصلاح مرتکب، جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران و فقدان سابقه محکومیت کیفری مؤثر. البته نتیجه این قرار پس از گذشت مدت تعویق، بر اساس ماده ۴۵ قانون فوق الذکر می تواند شامل دو فرض باشد اول: تعیین کیفر و دوم: صدور حکم معافیت از کیفر که در واقع هرکدام از این موارد به نظر و اختیار دادگاه بستگی دارد.

بنابراین اختصاص این قرار برای افراد بزرگسال به صورت محدود و در جرایم تعزیری درجه شش، هفت و هشت مقدور است ولیکن با توجه به اینکه اطفال و نوجوانان به خاطر وضعیت جسمی و روحی آسیبپذیر و محدودیت سنی، نیازمند حمایت بیشتر هستند لذا قانونگذار کشورمان دامنه شمول این قرار را در خصوص این طیف از اعضای جامعه گسترش داده و چتر حمایتی را بیشتر از سایر اقشار، شامل این افراد نموده است (مظفری، ۱۳۹۲: ۳۵).

احتساب جنایات عمدی و شبه عمدی اطفال در قالب خطای محض قانون گذار کشورمان به لحاظ خصوصیات خاص اطفال، جنایات عمدی آنها را مطابق بند ب ماده ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی، خطای محض به حساب آورده است همچنین در ارتباط با این موضوع، ماده ۴۶۳ قانون مذکور تصریح نموده است: در جنایت خطای محض در صورتی که جنایت با بینه، قسامه یا علم قاضی ثابت شود پرداخت دیه بر عهده عاقله است و اگر با اقرار مرتکب یا نکول او از سوگند یا قسامه ثابت شد بر عهده خود او است و همچنین تبصره ماده فوق الذکر بیان می دارد: هرگاه پس از اقرار مرتکب به جنایت خطایی، عاقله اظهارات او را تصدیق نماید عاقله مسئول پرداخت دیه است. قابلیت تجدیدنظر در کلیه آرای دادگاه اطفال و نوجوانان در خصوص فلسفه تأسیس دادگاه های تجدیدنظر، می توان به مواردی همچون حقوق متهم یا پیشگیری و کاهش اشتباهات قضایی و امکان بازنگری مجدد در آرای صادره توسط سایر قضات اشاره کرد در اکثر موارد امکان تجدیدنظرخواهی عادی - وخواهی، تجدیدنظرخواهی و فرجام خواهی و اعتراض به آراء قطعی و آراء غیرقطعی که مدتزمان اعتراض آن گذشته از طریق اعاده دادرسی امکانپذیر است. بر طبق قواعد عمومی، مقنن در ماده ۴۲۷ قانون آیین دادرسی کیفری در خصوص آراء دادگاه های کیفری اذعان داشته: آرای دادگاه های کیفری جز در موارد زیر که قطعی محسوب می شود، حسب مورد در دادگاه تجدیدنظر استان همان حوزه قضایی، قابل تجدید نظر و یا در دیوان عالی کشور، قابل فرجام است:

- جرایم تعزیری درجه هشت باشد.
- جرایم مستلزم پرداخت دیه یا ارش، در صورتی که میزان یا جمع آنها کمتر از یک دهم دیه کامل باشد (احمدی، ۱۳۹۴: ۵).

مؤسسات نگهداری و اجراکننده تصمیمات دادگاه یکی از نوآوری های قانون مربوط به تشکیل دادگاه اطفال (مصوب ۱۳۸۸) دستور تأسیس قانون اصلاح و تربیت برای نگهداری اطفال و نوجوانان بود، ضمن اینکه در جاهایی که دارالتأدیب وجود داشته، با تشکیل دادگاه اطفال، دارالتأدیب تبدیل به قانون اصلاح و تربیت می شود. یکی از اهداف مهم این قانون، دادرسی اختصاصی اطفال بزهکار و ضرورت شناسایی علل بزهکاری، شخصیت کودک بزهکار و اتخاذ روشهای اصلاحی ویژه برای اصلاح، تربیت، درمان و بازسازگاری و پیشگیری از ارتکاب مجدد بود. طبق ماده ۱۸ آیین نامه قانونی و مقررات سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی

کشور، کانون مزبور چنین تعریف گردیده است، کانون اصلاح و تربیت؛ مرکزی است جهت نگهداری، اصلاح، تربیت و تهذیب اطفال غیر بالغ و بزهکار یا بزهکارانی که کمتر از ۱۸ سال تمام سن داشته باشند (احمدی، ۱۳۹۴: ۱۳).

در این کانون طفل یا نوجوان و خانواده وی مورد خدمات مشاوره‌ای، راهنمایی و دانش افزایی قرار می‌گیرند و همچنین اقدامات درمانی، آگاه سازی، بهداشتی، فرهنگی، مددکاری، توانمندسازی و افزایش قدرت مقابله با ناملایمات، معاضدت حقوقی و مراقبت بعد از آزادی قرار می‌گیرند تا باعث اصلاح رفتار، کردار، تغییر سبک زندگی قبلی و هدایت طفل در مسیر حق و حقیقت گردد. از دارالتأدیب های دولتی که مراکز عمومی هستند، اغلب به عنوان آخرین راه چاره برای نوجوانانی که تحت عنوان بزهکاران جدی یا مکرر نامیده می‌شوند استفاده می‌شود (اسدی، ۱۳۸۸: ۳۲).

نتیجه گیری و پیشنهادات

با توجه به اینکه درصد قابل ملاحظه ای از جامعه آماری کشور به اطفال و نوجوانان اختصاص یافته و از طرفی اطفال و نوجوانان به رشد کافی عقلی نرسیده اند و گاه به حسن و قبح افعالی که انجام می‌دهند آگاه نیستند؛ لذا قانونگذار کشورمان به تبعیت از منابع شرعی و فقهی، ضمن اینکه اطفال را در صورت ارتکاب جرم، مبرا از مسئولیت کیفری دانسته از طرف دیگر، امتیازاتی همچون؛ تدریجی بودن مسئولیت کیفری، عدم وجود آثار کیفری بر محکومیت های اطفال و نوجوانان، الزام دادرسی و دادگاه در تشکیل پرونده شخصیت، شمول تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات برای کلیه جرایم اطفال و نوجوانان، تشکیل پلیس ویژه مختص آنها، انجام تحقیقات و بازجویی توسط پلیس زن، تعیین وکیل در دعوا، عدم شمول تکرار جرم بر محکومیت های قطعی اطفال و نوجوانان، الزام به انجام تحقیقات مقدماتی توسط دادگاه بدون دخالت ضابطین دادگستری، تشکیل مؤسسات خاص برای نگهداری اطفال و نوجوانان بزهکار با هدف اصلاح و تربیت آنها، امکان سقوط مجازات حدود و قصاص با وجود شبهه و تردید در رشد و کمال عقلی اطفال و نوجوانان و قابل تجدید نظر بودن کلیه آرای محکومیت های کیفری آنها قائل شده است. تا باعث شود که انحراف نوجوانان که در قالب ارتکاب جرم نمایان شده اصلاح شده و از آسیب های ناشی از فرآیند رسیدگی در امان بمانند و مسیر زندگی آنها در مسیر حق و حقیقت و راستی قرار گیرد.

لازم به ذکر است که اقدام قانونگذار کشورمان در قانون آیین دادرسی کیفری فعلی نسبت به قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ در خصوص قبول مسئولیت تدریجی برای اطفال و نوجوانان و تأکید بر نقش تربیتی والدین و سرپرستان، یکی از نوآوریهای مهم و کارساز در روند فرآیند کیفری این قشر آسیب پذیر جامعه است و در واقع بیشتر به اصلاح و تهذیب آنها توجه شده است.

در خاتمه پیشنهاد می‌گردد:

۱- با توجه به لزوم تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان، این نیرو در محلی خارج از یگان های انتظامی استقرار یابد تا اهداف مورد نظر به خوبی تأمین گردد و حمایت لازم از این اقشار آسیب پذیر به عمل آید.

۲- جذب پلیس زن افزایش یابد و در کلیه مراکز انتظامی از وجود مشاور و مددکار زن استفاده به عمل آید.

۳- دوره های آموزش تکمیلی و بازآموزی در حین خدمت، برای کلیه کارکنان پلیس که با اطفال و نوجوانان در ارتباط قرار میگیرند تشکیل و مهارت ارتباطی این قشر در این خصوص افزایش یابد.

منابع و مأخذ

احمدی، امین، ۱۳۹۴، نوآوریهای قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲ در رسیدگی به جرایم کودکان و نوجوانان، همایش ملی قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ در بوته نقد، مراغه، انجمن حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه احمدی، خیرالله (۱۳۸۷). جامعه شناسی انحرافات، تهران: انتشارات سمت، چاپ ششم.

الیاسی، رضا. ۱۳۸۷. بایستنی های دادرسی اطفال با تاکید بر جایگاه پلیس، فصلنامه دانش انتظامی، ۳۶(۴): ۱۶۵-۱۳۴. اردبیلی، محمدعلی. ۱۳۸۱. حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران، نشر میزان، چاپ شانزدهم.

اسدی، لیلا. ۱۳۸۸. تاثیر حقوق بشر بر مقررات دادرسی کودکان در ایران، همایش علمی کاربردی پلیس، تهران: دانشگاه علوم انتظامی امین.

اسدی، محمدحسین؛ علی احمدی، احمد و بازیار، ناصر. (۱۳۹۳). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر کیفیت خشونت؛ مطالعه موردی: دانش آموزان مقطع متوسطه بخش چوار، فرهنگ ایلام، دوره ۱۵، شماره ۴۲-۴۳ بهار و تابستان، ۵۵-۲۷.

خواجه نوری، یاسر. ۱۳۹۰. حقوق کیفری اطفال بزهکار و جهانی شدن آن، رساله دکتری حقوق، دانشگاه شهید بهشتی.

دهخدا، محمد. ۱۳۸۸. بررسی وظایف و اختیارات پلیس در برخورد با اطفال و نوجوانان معارض با قانون، مجموعه مقالات برگزیده همایش علمی کاربردی پلیس و نظام عدالت برای کودکان و نوجوانان، تهران، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا، چاپ اول.

علی مرادی، کریم؛ معینی، بهمن؛ پاکیزه، علی؛ مصر آبادی، جواد؛ دارابی، حسن؛ ریسی، علی و استوار، اکبر. (۱۳۹۵). پیش بینی کننده های قصد رفتاری خشونت دانش آموزان پسر شهرستان سنندج با استفاده از نظریه رفتار برنامه ریزی شده، دو ماهنامه طب جنوب، پژوهشکده زیست پزشکی خلیج فارس، دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بوشهر، سال ۱۹، شماره ۱، فروردین و اردیبهشت، ۱۰.

عمید، حسن. ۱۳۸۱. فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ بیست و دوم.

مظفری، احمد. ۱۳۹۲. نحوه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان و ارتباط با مواد مخدر، علوم جنایی، جلد یک.